

در حالیکه جمهوری اسلامی ادعا میکند اوضاع آرام شده است، اعتراضات بازنشستگان همگام و همراه با اعتراضات و اعتصابات طبقه کارگر از نفت و دیگر مراکز کارگری تا پرستاران و معلمان بر سر تعیین سقف حقوق، رفع تبعیض ها و برخورداری از شرایط حقوقی و رفاهی شایسته انسانی به گستردگی ایران و به شدت ادامه دارد. مطالبه مشترک بازنشستگان سراسر کشور، کافی نبودن مستمری، عدم اجرای همسان سازی حقوق شاغلان و بازنشستگان، کافی نبودن خدمات بیمه و خدمات رفاهی است.

روز سه شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲ یکبار دیگر بازنشستگان ساندج همراه با دیگر شهرهای مختلف ایران به خیابان آمدند و ضمن تجمع در جلو مراکز دولتی برای احقاق حقوق خود علیه مسئولین رژیم و دم و دستگاه هایشان شعار سردادند. بازنشستگان در ساندج باشعارهای حق طلبانه فریاد می زدند: «هم مجلس هم دولت، دروغ میگن به ملت. مرگ بر دروغگو، تا حقان نگیریم از پای نمی نشینیم. معلم زندانی آزاد باید گردد»

بازنشستگان به عنوان بخشی از طبقه کارگر که سالهای زیادی از عمر خود را در تولید نعمات این جهان نابرابر گذاشته اند حق دارند که مابقی عمر خود را در رفاه، آسایش و بدور از هر نوع استرس و یک زندگی شایسته انسانی بگذارند. بازنشستگان که در سایه دولت بورژوازی جمهوری اسلامی و زیر فشار تورم و گرانی کمر خم کرده اند، اکنون به میدان آمده اند و پرچم اعتراض علیه بی حقوقی و زور گویی این نظام سرپا ستمگر و فاسد را در دست گرفته اند.

درهم تنیده گی و همبستگی اعتراضات بازنشستگان با اعتراضات طبقه کارگر، پرستاران و معلمان در سراسر کشور ضمن اعلام اتحاد، هم درد بودن آنها را در فقر و مصائب دنیای سرمایه داری نشان می دهد و این اتحاد و همبستگی سراسری نقطه بارز و ارزشمند اعتراضات بازنشستگان در سراسر ایران و کردستان است.

اکنون سراسر ایران به صحنه اعتراض طبقه کارگر و افشار محروم برای رفاه و آزادی و زندگی انسانی تبدیل شده است. بازنشستگان در این دوره بخشی مهم و متحد از اعتراضات حق طلبانه مردم آزادیخواه و محرومین جامعه را تشکیل داده اند. اتحاد این صف، سراسری بودن آن و مطالبات بر حق آنها نمیتواند سمیاتی عمومی مردم انسان دوست را به خود جلب نکند. اکنون و در این دوره

تصویر عینی تحولات اخیر در کردستان "چهره جدید کردستان"

مظفر محمدی - آبان ۱۴۰۲ - نوامبر ۲۰۲۳



صفحه ۲

من به گذشته تاریخی کردستان بر نمیگردم. از همین جنبش اخیر شهریور ۱۴۰۱ تا امروز که یک سال و نیم بگذرد به چهره و موقعیت جدید کردستان می پردازم. موضوعات اصلی این بحث عبارتند از: نقش کردستان در جنبش و نقاط عطف آن. موقعیت ناسیونالیسم کرد در این جنبش. موقعیت چپ در جنبش. عرصه های فعالیت کمونیستی و آزادیخواهانه در کردستان

کوره پزخانه ها و بردگی عریان

قادر محمودپور



صفحه ۶

در بخش اول این گزارش به وضعیت کار و فعالیت کارگران کوره پزخانه ها پرداختیم و به شرایط سخت و طاقت فرسای کار در این مجتمع ها اشاره ای داشتیم، در قسمت پایانی آن به نقش کومه له کمونیست دهه شصت و ارتباط فعالین کارگری با کومه له از طریق رادیوی صدای انقلاب ایران (رادیو کومه له)، نشاط و روحیه گرفتن از انتشار کار و فعالیت این فعالین کارگری کوره پزخانه ها از رادیوی صدایی انقلاب ایران (رادیو کومه له و حزب کمونیست ایران) و همچنین بکار گرفتن رهنمودهای رادیو کومه له روشننگری خواهیم کرد.

در آستانه ۲۵ نوامبر روز جهانی "مبارزه با خشونت علیه زنان"

آسو سهامی

"تغییر یک دوره تاریخی را همواره می توان با میزان پیشرفت زنان به سمت آزادی تعیین کرد، چراکه در این جا، در رابطه بین زن و مرد، رابطه بین قوی و ضعیف، پیروزی سرشت انسانی بر ستمگری مشهودتر از هر جای دیگر است. درجهی رهایی زنان، معیاری طبیعی برای رهایی همگانی است." (کارل مارکس، خانواده مقدس)

۲۵ نوامبر برابر با ۵ آذر روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» است، در روز ۲۵ نوامبر سال ۱۹۶۰ سه خواهر اهل جمهوری دومینیکن، با نام خواهران میرابل، پس از ماه ها شکنجه، سرانجام توسط سازمان امنیت حکومت بورژوازی «رافائل ترخیو» در دومینیکن به قتل رسیدند. جنبش چهاردهم ژوئن که خواهران میرابل در آن عضو بودند، هدفش افشاگری درباره جنایت رژیم دومینیکن و تلاش برای قیامی سراسری بود.

صفحه ۷



تهدیدات پ ک ک علیه مردم کردستان و چند سوال

(کردستان متعلق به مردم است و جای قلداری و اخاذی نیست!)

آسو سهامی

اخیرا (ی ر ك) شاخه های نظامی پ ک ک بیانیه ای خطاب به مردم کردستان ایران، در ۵ نوامبر ۲۰۲۳ در سایت فرات نیوز متعلق به این جریان، منتشر کرده است. پ ك ك در این بیانیه خود را صاحب کردستان ایران معرفی کرده و با سفسطه ای تحت عنوان «دفاع از طبیعت و مقابله با شکار حیوانات و...» مردم کردستان را تهدید و اعلام کرده که مردم حق آمد و رفت به «نواحی کوهستانی زاگرس به طور کلی و به ویژه در کبیر کوه، مانشت، پراو، آژوان، دالاهو، شاهو، کوسالان، قلبرد، شانشین و منطقه چلچمه، کوه های موکریان تا دالانپر، تا کوهستان های اورین»، که محل «اخفای نیروهای آنها» است، را ندارند و این مناطق را به عنوان مناطق محرمه اعلام کرده است!!! در بخشی از این بیانیه آمده است:

«همانطور که مردم ما آگاهند روز هلات کوردستان و ایران در مرحله جنگ جهانی سوم تحت سیطره سیاست قحطی و سرکوب می خواهند اراده جامعه را بشکنند و آنها را سرکوب کنند. به همین مناسبت، در چهارچوب سیاست مزدورسازی و تبدیل به جاسوس نمودن تعدادی از ضعیف ترین افراد جامعه، سعی در طولانی نمودن عمر حکومت خود را دارند. لذا به بهانه های مختلف (از قبیل شکار، گردشگری، کوهنوردی و...) در مناطقی که یگان های گریلاهای آزادی بخش روز هلات کوردستان در حال فعالیت هستند، اقدام به افشای محل و تعقیب و ضربه زدن به آنها می کنند.»

صفحه ۴

ضروری است از اعتراض و مطالبات آنها وسیعترین حمایت ها را کرد. حق داشتن زندگی شایسته انسانی و مرفه بعد از سالها کار و زحمت حق هر انسانی است. بعلاوه ضروری است مبارزات طبقه کارگر و اقشار زحمتکش از جمله بازنشستگان یك کاسه شود، ضروری است با حمایت عملی از همدیگر همراه شود. پیروزی بازنشستگان در این مبارزه علاوه بر ضرورت جذب و همراهی کردن همه بازنشستگان و وسعت بخشیدن و قدرتمند کردن این نیرو است، همزمان در گرو حمایت عملی کل این صف از کارگر و بازنشسته، از معلم و پرستار و.. به وسعت ایران است. این وظیفه مهم کار بازنشستگان کمونیست، کارگران کمونیست، زنان، پرستاران، معلمین و… دیگر کمونیستهای بانفوذ و هوشیار است. دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) خود را هم صدا و در کنار بازنشستگان سراسر ایران می داند. ما مردم مبارز وآزادخواه در کردستان را برای حمایت عملی از تجمعات، اعتراضات و مطالبات بازنشستگان فرا میخوانیم. امروز وقت آن است که صفوف کارگر، بازنشستگان، پرستاران و معلمان را حول خواسته های انسانی تامین و متحدتر به میدان آورد. بی شک تنها در چنین موقعیتی است که اقشار پایین جامعه میتواند در مبارزات پیش رو به پیروزی برسند.

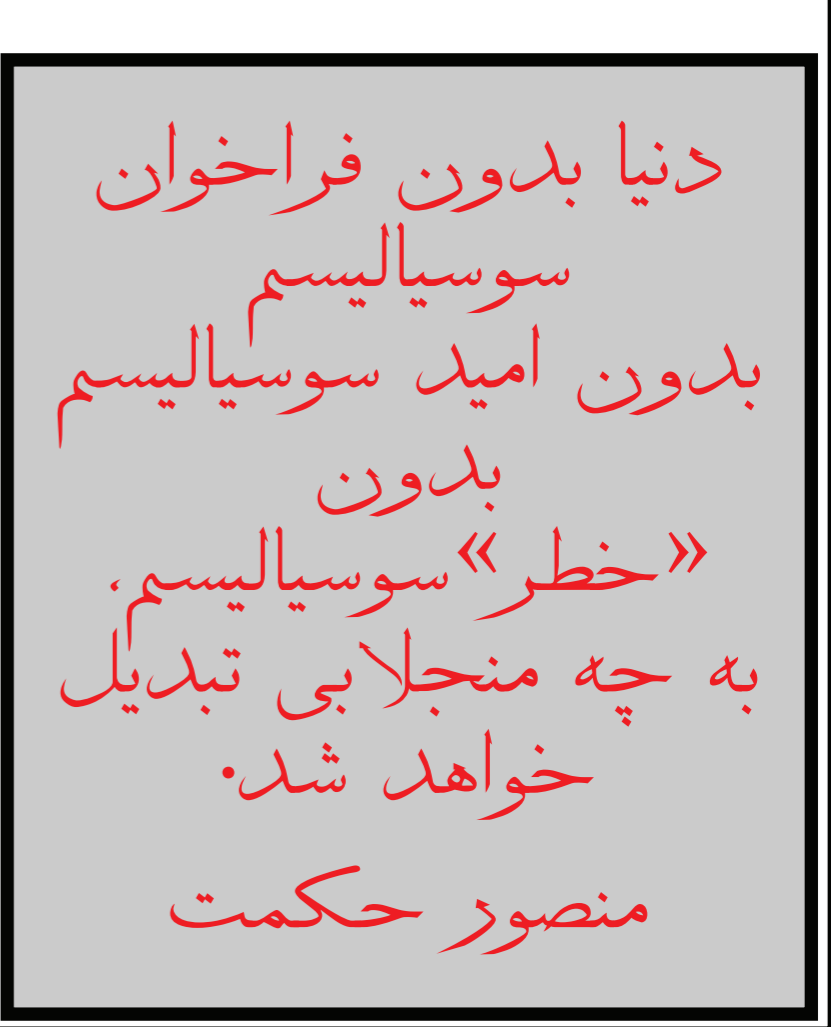
زنده و پیروز باد مبارزات بازنشستگان

متحدتر باد مبارزات طبقه کارگر ، معلمان، پرستاران و بازنشستگان

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۸ آبان ۱۴۰۲

۱۹ نوامبر ۲۰۲۳



تصویر عینی تحولات اخیر در کردستان

مظفر محمدی

• جنبش انقلابی ۱۴۰۱ از کردستان اوج گرفت

اعتراضات مردم در کردستان از آغاز خیزشی توده ای و سازمانیافته بود. - شهر سقز در مراسم های خاکسپاری و چهلم مهسا خیزشی ده ها هزار نفری را شکل داد. تحرک و تجمع بزرگ ده ها هزار نفری مردم شهر سقز در دوقفره خاکسپاری و چهلم مهسا تحت تاثیر فضای انقلابی و اعتراضات سراسری بود. - بزرگ ترین تظاهرات توده ای سنندج در چهلم کشته شدگان شهر بود که بالغ بر ده هزار نفر شرکت کردند. - مردم جوانرود پلیس و نیروهای امنیتی را از شهر بیرون کردند و ۲۴ ساعت شهر آزاد بود. -- مردم مهاباد در تظاهرات مکرر، درگیری ها سختی با نیروها رژیم داشتند که به برقراری حکومت نظامی و اعزام جوخه های مسلح در خیابان ها انجامید. - دانشجویان دانشگاه آزاد کردستان تجمع و تظاهرات پشت سر همی برگزار کردند. این اتفاق رکود طولانی مدت اعتراض دانشجویی در این دانشگاه را شکست. اعتراضات مردم در کردستان از آغاز خیزشی توده ای و سازمانیافته بود. در همه ی شهرهای بزرگ و کوچک کردستان میتینگ و راه پیمایی و تجمع و اعتراضات بزرگ توده ای واعصاب عمومی برگزار شد. این شرایط انقلابی چهره کردستان را به کلی تغییر داد. کردستان به چشم و چراغ ایران تبدیل شد.

۲- نقطه عطف دیگر جنبش در کردستان عبور از مرزهای قومی و ملی و زبانی ومذهب و سنی گری بود. کردستان آگاهانه خودش را جزئی از یک جنبش قدرتمند سراسری تعریف کرد. در این تحول تاریخی سیاست و تلاش های احزاب ناسیونالیست کرد با بی اعتنایی مردم کردستان روبرو شد. این تحول تاریخی احزاب جنبش کوردایتی را مجبور کرد از مردم کردستان و خیزش سراسری دنباله روی کند. این درست است که در خیزش شهریور ۱۴۰۱ ، بجز ناسیونالیسم ایرانی، ملی گرایی در میان ملیت های دیگر ابراز وجود نکرد. اما این موضوع برای مردم کردستان معنای دیگری هم دارد. و آن این است که در کردستان جنبش کردایتی سنت و تاریخ و احزاب سیاسی حی و حاضر خود را دارد و هیچکدام از "ملیت" های دیگر ایران مثل آذری، بلوچ و بخشهایی از خوزستان چنین تاریخ و موقعیتی ندارند. موقعیت ویژه ی جنبش ناسیونالیسم کرد می توانست محرکی و فشاری برای برانگیختن احساسات ملی و قومی باشد. تلاش هایی هم شد مثل این که گفتند، «کردستان نباید جلو بیفتد». «فتیله را پایین بکشید.» «چرا ما باید تلفات بیشتری بدهیم، در حالیکه در تهران در بالکن ها شعار میدهند.» و... اما رادیکالیسم جنبش و شعار و منفعت مشترک این فشار را به حاشیه راند.

۳- محلات، دانشگاه ها و مدارس

در ادامه ی خیزش شهریور و پس از تظاهرات های توده ای شهر و شهرک ها، در کردستان هم مثل شهرهای دیگر ایران، محلات و دانشگاه ها و مدارس به کانون های اصلی مبارزه تبدیل شدند. - هسته های اولیه برای سازماندهی و بسیج و هدایت جوانان محلات بوجود آمدند. - جوانان محلات مختلف برای اعتراضات هماهنگ و شعارهای مشترک ارتباطات هماهنگی را با هم سازمان دادند. برای حفظ امنیت جوانان انقلابی معترض امکانات لازم را فراهم کردند.

- برای مداوای انقلابیون زخمی، دارو و امکانات بهداشتی و پزشک و پرستار حامی در محلات تامین شدند.

- تراکت و فراخوان وشعار های معینی منتشر و در ابعاد وسیع پخش شدند.

- برای حفظ امنیت جوانان انقلابی معترض امکانات لازم را فراهم و تاکتیک های معینی را بخدمت گرفتند. از جمله، همزمانی شروع اعتراضات محلات، آتش زدن لاستیک در خیابان ها برای مانع شدن و کند کردن حرکت اتومبیل و موتورسیکلت های نیروی سرکوب، باز گذاشتن درب خانه های مردم به روی انقلابیون بهنگام عقب نشینی و...

- فعالین و جوانان محلات از الگوهای همدیگر استفاده کردند. این تلاش ها و فعالیت ها باعث شد که جوانان و معترضین تلفات کم تری متحمل شوند. علاوه بر محلات، دانشگاه ها و مدارس هم کانون های اعتراض بودند. دانشجویان دانشگاه آزاد سنندج مدت زیادی هر روزه در محیط دانشگاه تجمع و راه پیمایی و اعتراض می کردند. دانش آموزان هم در مدارس و هم بهنگام تعطیلی کلاس ها چه در حیاط مدرسه و چه بهنگام برگشتن به خانه، متعنه ها را از سر برداشته و دستجمعی راه پیمایی کردند و شعار زن، زندگی، آزادی سر دادند. تشکل های فرهنگیان، بازنشستگان و کارگران ازجمله انجمن های کارگری کارگران فصلی و ساختمان بجز انتشار بیانیه اعتراضی عملا در جریان خیزش و جنبش انقلابی دخالت جدی نکردند. نهادهای فرهنگی سنت ناسیونالیسم کرد، در جنبش انقلابی تحرکی از خود نشان ندادند.از جانب افرادی ثروتمند و نهادهای خیریه بویژه در شهرهای جنوب کردستان کمک های مالی معینی به خانواده های کشته شدگان و فقرا دیده شد.

۴- نقش اسلحه

در اعتراضات خیابانی مردم در شهرهای کردستان بجز مواردی نادر و خودسر، پای اسلحه به میان نیامد. این در شرایطی است که مردم کردستان به سلاح دسترسی دارند. اما در تظاهرات ها و راه پیمایی های بزرگ به درست از سلاح استفاده نشد.

۵- عرصه های سنتی ابراز وجود و فعالیت ناسیونالیست ها:

عرصه های سنتی و معرفه ی فعالیت ناسیونالیسم کرد عبارتند از چهره نظامی و مسلحانه در اردوگاه ها، شهید پروری و خوردن از سفره ی مبارزه مسلحانه، نهادها و فعالیت های فرهنگی کوردایتی، دخالت های محیط زیستی سمبلیک و کارهای خیریه ای در بعضی شهر یا شهرک ها... علاوه بر این ها ناسیونالیسم کرد در دیگر عرصه های جنبش انقلابی و طبقاتی چه در گذشته و بویژه در این دوره علاقه ای از خود نشان نداده اند مثل: در مورد جنبش سرنگونی که شعار جنبش انقلابی بود، پژاک در این دوره هم صراحتا گفت که هدفش سرنگونی نیست. در حزب دمکرات هم این گرایش یعنی مدارا و مذاکره با جمهوری اسلامی را جناح خالد عزیزی از اعضای رهبری حزب دمکرات نمایندگی می کند.احزاب جنبش کوردایتی سختیتی با جنبش آزادی و برابری زن، نداشته و ندارند. احزاب ناسیونالیست کرد با جنبش ضد مذهب و تنفر توده ای از دین و مذهب و خرافات، صراحتا مخالفند و خواستار اتحاد ملاهای کردستان برای حفظ مذهب و خرافات بعنوان ابزار ی در خدمت جنبش ارتجاعی خود هستند. احزاب جنبش کوردایتی با مبارزه اقتصادی طبقه کارگر و جنبش گرسنگان برای تامین معیشت و رفاه بکلی بیگانه اند.

۶- اتفاق دیگری که در این مدت افتاد تعرض رژیم به احزاب اپوزیسیون کورد در کردستان عراق است.

جمهوری اسلامی با دولت مرکزی بغداد و دولت اقلیم کردستان برای خلع سلاح و تعطیل اردوگاه های احزاب اپوزیسیون به یک توافق ارتجاعی رسیدند. این برنامه با دخالت نمایندگی سازمان ملل در محل به انتقال نیروهای احزاب اپوزیسیون به منطقه سوران در ۶۰ کیلومتری اربیل انجامیده است. مساله ای که هم اکنون در جریان است و سازمان ملل حفاظت و امنیت از اردوگاه جدید این احزاب و تامین زندگی ساکنانش را برعهده گرفته است. در این رابطه جناح طالبانی دولت اقلیم در خدمت سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی علیه احزاب اپوزیسیون نقش عمده ای را بازی کرده است. بعلاوه از آنجا که اردوگاه نشینی و حفظ چهره مسلحانه بعنوان نقطه قدرت احزاب اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق تبدیل معرفس شده است، کنار رفتن این تصویر برای جمهوری اسلامی یک پیروزی محسوب می شود. اما از نظر مردم کردستان اهداف و سیاست های احزاب اپوزیسیون چپ و راست یک محک واقعی است، نه میزان اسلحه. توده های کارگر و زحمتکش دریافته اند که کار جمهوری اسلامی را یک جنبش انقلابی توده ای و میلیونی از پایین می سازد و زمانی نیاز به اسلحه باشد توده

های مردم خود نهایتاً در یک قیام مسلحانه به عمر ننگین جمهوری اسلامی خاتمه می دهند. این تصویر واقعی و عینی تحولات این دوره در کردستان است.

در یک کلام، در بعد سراسری توازن قوا به نفع مردم و به ضرر نظام تغییر کرده است. در کردستان هم بطور مشخص تحول مهمی در توازن قوای بین مردم و رژیم از طرفی و مردم و ناسیونالیسم کرد از طرف دیگر تغییر کرده است. ناسیونالیسم و جنبش کوردایتی نه در متن و همسو با خیزش مردم بلکه به درجه زیادی در حاشیه مانده است.

۷- نقش شخصیت ها و رهبران عملی

جنبش های سیاسی معمولاً با شخصیت ها و رهبرانشان شناخته میشوند. شخصیت ها و رهبرانی که در کوران جنبش های اعتراضی و انقلابی عروج می کنند. امروز جنبش کارگری، جنبش زنان، کانون های فرهنگیان و بازنشستگان و جنبش جوانان رهبران عملی و شخصیت های خود را در درون خود پرورانده و می پروراندند. شخصیت داشتن، چهره های واقعی داشتن، رهبران و فعالین شناخته شده داشتن، روش معمول و واقعی زندگی احزاب سیاسی ای است که میخواهند قدرتمند شوند. فرد در مبارزه سیاسی مهم است. فرد آن پدیده ای است که به اتحادیه ها، احزاب سیاسی و جنبشها چهره میدهد، برای توده وسیع مردم ملموسشان میکند و آنها را در دسترس مردم قرار میدهد. امروز در مقایسه با سنت های تاریخی قومی و مذهبی، شخصیت ها و رهبران چپ؛ کمونیست و آزادیخواه و برابری طلب در صفوف کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان و روشنفکران انقلابی به میدان آمده اند. جنبش انقلابی رادیکال، غیرقومی و غیر مذهبی از شهریور تا کنون محصول این روند است.

۸- عرصه های اصلی فعالیت کمونیستی و آزادیخواهانه در کردستان

• عرصه کارگری

در چند دهه اخیر کارگران در کردستان با کمونیسم تداعی شده اند. نه تنها کارگران پیشرو بلکه توده وسیع کارگران از قیام بهمن ۵۷ تا کنون به این مساله آگاهند. و این باعث شده تا اکثر فعالین چپ و غیر کارگر هم خود را فعال کارگری و منتسب به کارگران تعریف کنند. با وجود این متاسفانه شیوه های فرقه ای و روش های غیرکارگری احزاب و جریانات و کسانی که در داخل خود را فعالین کارگری و یا منتسب به کارگران می دانند، باعث شده تا گروه و افرادی فرصت طلب و حتی ضد کارگر در راس بزرگ ترین تشکل کارگری کارگران فصلی و ساختمان در کردستان قرار گیرند. این وضعیت غیر قابل قبول، نتیجه اش این شده که برای مثال در راس سندیکا "انجمن صنفی" کارگران ساختمان با چند ده هزار کارگر فصلی و ساختمان سندنج و ناحیه، کسی قرار گرفته است که نه تنها کارگر نیست و نه تنها هیچ ربطی به منفعت کارگر ندارد بلکه فردی مذهبی و مرتجع است. او یک دستگاه بوروکراتیک فاسد تشکیل داده است و حق عضویت کارگران را صرف استقرار یک مقر شبه اربابی کرده و کارگران برای گرفتن کارت بیمه اجتماعی و یا تمدید آن که تازه امر اداره کار است، باید در مقابل دفتر ریاست این خودشیفته ی ضد کارگر دست به سینه بایستند، تحقیر شوند و اغلب جواب سربالا بشنوند. این در حالی است که در سنت سندیکای واقعی کارگری، مقر سندیکا خانه ی کارگران، محل برگزاری جلسات آموزشی، دایر کردن کتابخانه و اساساً پاتوق کارگران است. انجمن های صنفی کارگران فصلی و ساختمان در شهرهای دیگر کردستان وضعیتی بهتر از این ندارند. این شرایط برای کارگران با آن تاریخچه ی درخشان و ستاره های جنبش کارگری مثل جمال چراغوبسی یک تناقض بزرگ است. پاسخ این وضعیت نامناسب بر عهده کارگران پیشرو و کمونیست های صفوف کارگران در کردستان است. یک راه برون رفت از این وضعیت این است که گروه ها و شخصیت هایی که در درون کارگران و در جامعه خود را کمونیست و طرفدار منافع کارگر می دانند بجای تشکیل نهادهایی من درآوردی به نام اتحادیه و کمیته و محفل و غیره، بیرون از کارگران، اولاً تلاش کنند کارگران فصلی و ساختمان که اکثریت کارگران کردستان را تشکیل می دهد، از سیطره ی روسای ضد کارگری موجود

رها کنند. کارگران پیشرو این بخش بزرگ کارگری دریک مجمع عمومی واقعی کارگری، زیر پای هیات مدیره و روسای کاذب را خالی کنند و رهبری واقعی و رادیکال و نمایندگی واقعی حقوق و حفظ حرمت توده ی کارگران این بخش را در دست خود بگیرند. به شیوه ای که توده ی وسیع کارگران متشکل و متحد در مجامع عمومی منظم سرنوشت کار و دستمزد و رفاه خود را در دست داشته باشند.

این اتفاقی است که باید در میان بخش های دیگر کارگری در کارخانه های بزرگ لاستیک سازی ها، شهرک های صنعتی، کارگران بخش خدمات شهری و شهرداری ها، خبازی ها، معادن و پتروشیمی … در کردستان بیفتد. برای چنین تحولی رهبران عملی و کمونیست های صفوف کارگران باید خود بدوا متحد شده و کارگران را در جنبش مجامع عمومی کارگری سازمان داده و متحد نگه دارند. تصور کنید، اگر در خیزش و جنبش انقلابی یک سال و نیمه ی مردم کردستان تا به امروز، حتی تنها این بخش کارگری فصلی و ساختمان چند ده هزار نفره در کردستان در مجامع عمومی منظم و سندیکای مستقل و کارگری متحد می بودند و سکان تشکیلات خود را در دست داشتند، بدون شک اتفاق دیگری می افتاد. توازن قوا بیشتر و بیشتر به نفع کارگران و زحمتکشان و جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی و برای معیشت و رفاه تغییر می کرد.

• عرصه زنان

این عرصه بطور واقعی و عینی و تجارب تا کنونی هم، هیچ ربط و تعلقی به جنبش ناسیونالیسم کرد نداشته و ندارد. عرصه ی زنان که نیمی از جمعیت کردستان است، چه با شرکت عملی در یک دهه مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و چه در خیزش شهریور ۱۴۰۱ نشان داده است که دارای ظرفیت عظیم اجتماعی و ابراز وجود اسلامی است. قدرت زنان و دختران جوان در این جنبش در کردستان همچنان سراسر ایران، برای دوست و دشمن روشن و مرزها را در نوردیده و در افکار عمومی بین المللی شناخته شده و مورد احترام است. زنان و دختران انقلابی این دوره چه آن بخش که جان باختند و یا در زندان ها اسیر شده اند، رهبران عملی و واقعی جنبش آزادی زن هستند. هم اکنون زنان و دختران جوان بعنوان بخش بسیار عظیم جامعه در محلات، دانشگاه ها، مدارس و زنان کارگر و سرپرست خانواده ها، نیروی عظیم این جنبش هستند. این شرایط ارزشمند دست زنان سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلب را می بوسد. زنان و دختران جوانی که در محافل و شبکه های خود سازمان می یابند و برای تعرض بیشتر به جمهوری اسلامی در توازن قوای معین و شرایط انقلابی تدارک می بینند. انقلاب آتی ایران بدون شک مهر زنان انقلابی را بر خود خواهد داشت.

• محلات

ما مدت ها است و قبل از این جنبش، کنترل محلات را به معنای ایجاد فضایی انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه و کوتاه کردن دست ارتجاع تحت هر نامی و پاکیزه نگه داشتن محله از سموم خرافات و از تهدیدات جمهوری اسلامی در دسترس می دانستیم. در جریان مبارزه با کرونا در محلات شهرهای کردستان جوانان مبارزی بسیج شدند و به کمک مردم شتافتند. در خیزش شهریور ۱۴۰۱ تا کنون در ابعاد گسترده تری شاهد بسیج و سازمانیابی جوانان و زحمتکشان محلات شهر ها در سراسر ایران و در کردستان بودیم. به گونه ای می توان گفت، جوانان انقلابی دختر و پسر محلات را فتح کردند. شاید نیازی به گفتن نیست که جوانان پسر و دختر شهرهای کردستان اساساً یا خود کارگر یا فرزندان خانواده های کارگری، تحصیلکرده ی بیکار، کولبران، دستفروشان، دانشجویان، دانش آموزان و نوجوانان "کودکان کار و خیابان" اند. به این معنی همسرنوشت اند و منافع مشترک دارند. در نتیجه اتحاد، همبستگی و مبارزه ی مشترک مردم محلات کاری دشوار نیست و چه بسا بسیار هموار است. این تجارب همچنین نشان داده است که کارگران و زحمتکشان و حقوق بگیران علاوه بر مبارزه در محلات کار و شغل و با تشکل های محل کار خود، محلات زندگی هم یکی دیگر از کانون های مبارزات توده ای است. تجارب مبارزات محله ای، کنترل، فتح محلات… تجاربی زنده، بسیار آموزنده و با ارزش و فراموش

نشدنی است. شکی نیست در هر برآمدی این تجارب باز و باز هم سر بر می آورند و با تجربه تر و آگاه تر و قدرتمند تر می شوند و ارتقا می یابند.

جنبش انقلابی ما در محلات بعنوان یک کانون مبارزه قدم گذاشته است. هسته های رهبری کننده ی جنبش جوانان محلات هم اکنون وجود دارند. ما باید این سنت و اشکال مبارزاتی را حفظ کنیم. به این معنی ما باید هسته ها و جمع ها و شبکه های جوانان را کماکان در هر شرایطی با هم و متحد نگه داریم. این هسته ها و شبکه ها در واقع نطفه سازمان جوانان انقلابی در سراسر کردستان و حتی ایران هستند. سازمانی که در یک برآمد توده ای و شرایط انقلابی اعلام وجود می کند و به یک کانون قدرتمند مبارزه برای سرنگونی نظام تبهکار جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای آزاد و برابر بهمراه همه ی همسرنوشتان خود به رهبری طبقه کارگر تبدیل می شود.

تجارب و سنت های مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه و همچنین قدرت های ضد این مبارزه هیچوقت نمی میرند. همانطوریکه جنگ های جهانی و منطقه ای، نتایج ضد بشری نازیسم و فاشیسم و امپریالیسم و اشغال و کشتار جمعی در خاورمیانه و فلسطین…، برای نسل امروز هم معرفه است، تجارب و سنت مبارزه برای آزادی و رفاه و انسانیت و برابری هم از کمون پاریس تا انقلاب اکتبر و انقلابات ولو شکست خورده و تلاش های پیشروانه ی بشریت هم علیرغم تحریف و تخریب از جانب دشمنان بشریت در قالب نظام سرمایه و سود و دولتها و بنگاه های دروغ پراکنی و فریبکارانه شان، برای بشریت امروز زنده است. ما از تجارب تاریخی و از تجارب عملی خود می آموزیم. ما اگر بیفتیم اما قدرتمند تر بر میخیزیم!

• دانشگاه ها

دانشگاه های کردستان گاه و بیگاه محل تاخت و تاز سنت های ناسیونالیستی و نهادهایش مانند انجمن های قومی و سنت هایشان مثل اشاعه ی فرهنگ ادبیات ناسیونالیستی، تقدیس زبان و لباس و رقص و موسیقی و هنر قومی کوردی… بوده و مدام این سنت بازتولید شده است. اما در کنار این از آنجا که بین دانشگاه های کردستان و تهران و شمال و تیریز و غیره دیواری وجود ندارد، سیاست و فرهنگ مدرن و متمدن و سکولار و ازادیخواهانه و برابری طلبانه همیشه وجود داشته و تولید و بازتولید شده است. دانشگاه های کردستان علاوه بر متأثر شدن از جنبش انقلابی و چپ و حضور و نفوذ کمونیسم، جزیره ی دورافتاده ای از تحولات سراسری و دانشجویی ایران نیست.

در خیزش شهریور تا امروز دانشگاه ها یکی از کانون های اصلی مبارزه رادیکال و آزادیخواهانه بوده است. در جریان جنبش شهریور ۱۴۰۱، اعتراضات رادیکال دانشجویان دانشگاه کردستان از بروزات نوع دوم و در سنت آزادیخواهی و برابری طلبی بود. به تبع و در چهارچوب جنبش انقلابی سراسری، با همان شعارها و اعتراض رادیکال قرار داشت. نشانی از بروزات ناسیونالیستی و شعارهایش نبود. این تجربه و نمونه ی عینی نشان داد، آزادیخواهی و برابری طلبی گرایشی قوی و برتر در دانشگاه ها کردستان هم هست.

دانشگاه ها دارای ظرفیت انقلابی و پیشروانه ی قوی است. دانشگاه می تواند پایگاهی محکم برای ایده ها، ادبیات و فرهنگ پیشروانه و مبارزه ی رادیکال، باشد و یکی از ستون های محکم جنبش انقلابی برای تغییر مداوم توازن قوا به نفع جنبش انقلابی و ازادیخواهی و برابری طلبی و رفاه باشد. دانشگاه می تواند مرکزی برای تقویت جنبش طبقه کارگر و حامی این جنبش برای ایجاد جامعه ی آزاد و برابر بر ویرانه های نظام نکبت بار سرمایه داری با حذف جمهوری اسلامی باشد. دانشجویان پیشرو و انقلابی می توانند یک فضای انسانی و آزاد و محیط روشنفکری سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی رادیکال، آزادیخواهانه و برابری طلبانه در دانشگاه ها ایجاد کنند. (عرصه های متعدد دیگر چون دفاع از حقوق کودکان، کودکان کار، محیط زیست سالم، دفاع از حقوق حیوانات و غیره که عرصه های فعالیت کمونیستی و

آزادیخواهانه است. عرصه‌هایی‌که از چشم دور نمی‌مانند و اهمیت خاص خود را دارند که به تناسب نیرو و امکانات در دستور فعالین این عرصه‌ها قرار دارند.

• تبلیغات و آگاهگری

فعالین کارگری و کمونیست و آزادیخواهان و برابری طلبان نمی‌توانند بدون ابزار قدرتمند و گسترده‌ی تبلیغ و تهییج و ترویج خود باشند. میدیای مجازی فقط یک ابزار است تازه به شرطی‌که از این ابزار به درستی استفاده شود. شلوغی و مرز نامحدود این عرصه با تولید حجم انبوهی از ادبیات آگاهی‌بخش و ضد آگاهی، محیط بلبشو و گاه‌ا مسمومی درست می‌کند که برای خواننده تشخیص درست از غلط آن آسان نیست. از نظر من دو ابزار تعیین کننده‌ی خودآگاهی مردم وجود دارند. - یکی، ادبیات مکتوب و شفاهی کمونیستی و سوسیالیستی و پیشرو است. ادبیاتی‌که علاوه بر نشر در سایت یا صفحات مجازی می‌توان و باید بصورت کتاب، جزوات و مقالات باز تکثیر و روی میز کارگران پیشرو، آزادیخواهان صفوف مردم و دانشگاه‌ها و فرهنگیان و… قرار گیرد. گفته می‌شود کتاب خوانی منسوخ شده است. این می‌تواند یک فاجعه‌ی ضد آگاهی باشد.

- دوم، تبلیغات و آگاهگری حضوری و رودرد رو است. ادبیات سوسیالیستی و آزادیخواهانه برای بالا رفتن عقل و علم کسی نیست. برای حرافی در محافل بی عمل و یا در صفحات مجازی آدم‌های بدون هویت نیست. ابزار سیاسی و آگاهی‌بخش مبارزات عملی توده‌های مردم برای زندگی بهتر است. فعالین و پیشروان جامعه علاوه بر ارتباطات اجتماعی گسترده در محیط کار و محلات زندگی می‌توانند در محافل و پاتوق‌های کارگری، زنان، جوانان و دانشجویان حضور یابند، به سوالات مطرح شده جواب دهند، خود سوال مطرح کنند و به افکار سازی و آگاهی‌بخشی و رفع موانع ذهنی مخاطبین خود بپردازند. می‌توان بر شانه‌ی این روابط گسترده‌ی حضوری، سازمان درست کرد.

در کردستان سنتا مردم در ابعاد گسترده دارای روابط خانوادگی و وابستگان، محله‌ای، دوستان و همکاران، تفریحات دستجمعی و گروه‌های ورزشی و هنری… هستند. اگر کسی وجود داشته باشد و خود را از این روابط گسترده ایزوله کند و یا به گفتگو‌های محدود فردی بسنده کند، نمی‌تواند چیزی بسازد. نمی‌تواند در ابعاد گسترده آگاهگری کند و نمی‌تواند تشکل و اتحاد و سازمان کارگری و غیرکارگری بسازد. پیشروان کارگری و جامعه می‌توانند از این ابزارها و امکانات ارتباط جمعی استفاده کنند، آگاهگری کنند، یارگیری کنند و سازماندهی کنند و باز سازماندهی کنند.

• تحزب کمونیستی کارگری

طبقه کارگر سراسری و کارگران در کردستان بدون حزب کمونیستی کارگری خود، تنها بخشی از جامعه می‌مانند و در هر تغییری سرنوشتی یکسان دارند. رژیم‌ها می‌آیند و می‌روند و کار مزدی و سرمایه، کارگر و کارفرما پای ثابت هر تغییری هستند. در نتیجه کارگران برای پیروزی در مبارزات مداوم خود برای دستمزد بیشتر، ساعت کار کم تر و دیگر حقوق و مزایای کار، به اتحاد و تشکل و امروز به جنبش مجامع عمومی کارگری بعنوان تنها ابزار قدرتمند و سهل الوصول و در دسترس نیاز دارند. کارگران کمونیست و پیشروان و رهبران عملی کارگری در عین حال و همزمان با مبارزه اقتصادی برای رفاه و معیشت و اتحاد در جنبش مجامع عمومی کارگری، نگاهشان به دورتر و به انقلاب کارگری هم هست. بدون این کار حتی دستاوردهای مبارزه اقتصادی قابل بازپس گیری است و طبقه کارگر و کمونیست‌ها در شرایط انقلابی و تغییر رژیمی به رژیم دیگر سرش بی کلاه می‌ماند. تنها حزب کمونیستی کارگری است که می‌تواند طبقه کارگر را به قدرت برساند. حزبی‌که حزب رهبران عملی و کارگران سوسیالیست و پیشرو است. کارگران باید حزب سیاسی کمونیستی خود را بسازند. همین امروز و با چشمان باز به استقبال حزب و جریانی بروند که کل منفعت طبقه کارگر را مد نظر دارد و برای آن مبارزه می‌کند. محافل کارگران سوسیالیست، فعالین و رهبران عملی کارگران، به این میاندیشند که طبقه کارگر نمی‌تواند و نباید تا

ابد ونسل پشت نسل برده‌ی کار مزدی باشند. این قانون و نظم باید زیرو رو شود. و این اتفاق برای طبقه کارگر بدون حزب سیاسی کمونیستی اش نمی‌افتد. سنت کار حزبی و روش‌ها و شیوه‌های کار موضوعی است باید یاد گرفت. این سنت بدلیل حداقل یک دهه مبارزه مسلحانه و چند دهه جنبش علنی به حاشیه رانده شده و حتی برای بیشتر فعالین سیاسی وابسته و غیر وابسته آشنا نیست. بحث بر سر فعالیت علنی اجتماعی نیست. این امری داده و برای همه‌ی مبارزین کردستان ملموس و شناخته شده و خود جزیی از آن هستند. اما در شرایط حاکمیت دیکتاتوری و سرکوب، سازمان‌های حزبی و وابسته به احزاب مخفی هستند. وابستگان هیچ حزبی در کردستان نمی‌توانند علنا عضویت یا حتی وابستگی خود به احزاب اپوزیسیون را اعلام کنند و خود را در معرض سرکوب پلیسی قرار دهند. در نتیجه تحزب کمونیستی در کردستان هم مثل سراسر ایران مخفی است.

یک روش مبارزه با پلیس آگاهی از تلفیق کار مخفی و علنی است. یک کمونیست همانطوریکه یک شخصیت علنی اجتماعی و صاحب نفوذ و محبوب در میان کارگران و مردم است، کارگری‌که رهبر عملی مبارزات کارگری برای مطالبات و رفاه کارگران است، دانشجویی‌که در عرصه مبارزات و مطالبات دانشجویی و علیه دخالت پلیسی در دانشگاه‌ها مبارزه می‌کند، معلم کمونیستی‌که فعال مبارزات همکاران خود برای رفاه و حقوق هایشان است، زنی‌که در میان همسرنوشتانش انسانی برابری طلب شناخته شده، محبوب و در محافل زنان به آگاه کردن اطرافیانش به حقوق و آزادی و برابری و علیه مردسالاری و تبعیض جنسی و غیره می‌پردازد، جوانی‌که در محله خوشنام و محبوب است و در میان جوانان به آگاهگری و ایجاد هسته‌های جوانان محله مشغول است…، همه‌ی این‌ها در عین فعالیت اجتماعی علنی می‌بایست به کار سازماندهی حزبی و کمونیستی هم مشغول باشند. قاعدتا روابط و فعالیت‌های اجتماعی باید این امکان را داده باشد که با طیفی از انسان‌های گروه یا صنف یا جمع آشنا شده و دوست شده و به کمونیسم و انساندوستی کمونیستی و جامعه‌ی آزاد و برابر و بدون تبعیض و ستم آگاهشان کند و از این طریق ماتریال انسانی برای ایجاد محفل، حوزه تا کمیته‌های حزبی را فراهم کند.

فعالیت حزبی مخفی، روش‌ها و دیسیپلین‌های کار خود را دارد. نظم و انضباط، مسوولیت پذیری، تعهد، تقسیم کار، گزارش‌دهی، بررسی نقاط قوت و ضعف هر پروژه و غیره از اصول فعالیت حزبی و متشکل است. اما سنت کار مخفی و تلفیق کارمخفی و علنی در میان کمونیست‌ها و فعالین چپ در کردستان بسیار ضعیف است، چرا که به کار علنی و آکسیونی و رفت و آمدهای گل و گشاد و بی هدف و الوده اند. کار کمونیستی و تحزب کمونیستی کارگری نظم پولادین می‌خواهد. آماتور و دلخواهی نیست. دارای دیسیپلن و موازین بسیار محکم و غیر قابل چشم پوشی یا زیر پا نهادن و یا غافل ماندن از آن است.

الگوی کار کمونیست‌های کارگری و جامعه، کمیته کمونیستی باکو است. کتاب نینا در این باره را باید خواند. حزب توده حزبی ضد کارگری و ضد کمونیستی است. از این بگذریم در موضوع حزب سازی الگوی کار حزب توده با سازمان‌های عریض و طویلش در میان کارگران و مردم که تا بیخ گوش شاه می رفت و در ارتش سازمان نظامی ۷۲ نفره‌ی حزب را داشت. الگویی یادگرفتنی است. یک توده‌ای تنه اش به تنه کسی بخورد به احتمال زیاد توده ایش می‌کند یعنی سیاستهای حزبش را به خوردش می‌دهد. یک سلفی هم همین کار را می‌کند و یک اخوان المسلمین هم همین کار را بلد است و می‌کند.

این‌ها الگوهای کار سازماندهی و متحد و جمع کردن انسان‌ها است. آن‌ها انسان‌ها را حول سیاست‌های ضد کارگری و دین و وعده‌ی بهشت و ترس از جهنم و آتش با خود می‌آورند. و ما می‌خواهیم برای یک دنیای بهتر و زندگی شاد و مرفه و بدون فقر و دغدغه‌ی نان و در رفاه متشکل و متحد شویم.

آذر ۱۴۰۲/ نوامبر ۲۰۲۳

تهدیدات پ ک ک

آسو سهامی

بیانیه ادامه میدهد:

«بدین منظور به خلق خود هشدار می‌دهیم که انجام هرگونه گشت و گردشگری، شکار و بهانه‌های مختلف در این مناطق که یگان‌های ما در آن فعالیت می‌کنند، به معنای آشکار ساختن محل و موقعیت رفقای ما و در نتیجه خدمت به اشغالگران میهنمان خواهد بود. بنابراین در صورت مواجهه و شناسایی، تحت تعقیب لازم قرار خواهند گرفت و در چنین شرایط ناخواسته، خود این افراد مسئول خواهند بود.»

شاید با طرح چند سوال بهتر از هر تحلیل و اظهار نظری، این بیانیه قلدرمنشانه و ارتجاعی پ ک ک و دستورات ارباب رعیتی و فئودالی این جریان را نشان داد. باید از مسئولین این جریان سوال کرد، چرا جاسوسی از پ ک ک؟ جمهوری اسلامی که رابطه حسنه‌ای با این جریان دارد. پ ک ک از سال ۱۳۶۵ با جمهوری اسلامی توافقنامه همکاری امضا کرده است. مگر پ ک ک در بسیاری از شهرهای ایران دفتر و دستک نداشته و ندارد؟ به آثار اوجالان و دیگر مسئولین این جریان در سه دهه اخیر مراجعه کنید، نوشته‌ها و انواع و اقسام بیانیه هایشان سرشار از دفاع از اسلام، کربلا، عاشورا و حتی دفاع از جمهوری اسلامی است، مگر در همین یک سال گذشته بارها در گفتگوهای تلویزیونی خود علنی از جمهوری اسلامی و نظام کنفدرالیسم دمکراتیک مورد نظرشان در چارچوب همین نظام نگفته‌اند؟

جمهوری اسلامی طی این سالها تلاش کرده که پ ک ک را به عنوان پدیده‌ای علیه چپ گرایی در کردستان علم کند. چه اتفاقی افتاده که پ ک ک از جاسوس و جاسوس پروری می‌گوید؟ احتیاجی نیست که از مردم کردستان برای کسب اطلاعات و جاسوسی و یا کشف محل اختفای پ ک ک (درحالیکه که هیچ موجودیتی در ایران ندارد) استفاده کند.

بیانیه پ ک ک توهین و اهانت بزرگی به مردم کردستان است و این جریان با تاریخی سرشار از حمایت از جمهوری اسلامی در موقعیت و جایگاهی نیست که به مردم اتهام جاسوسی بزند و چنین چرندیاتی را به هم بیافد.

یک نکته مسلم است و آن اینکه احزاب کردی در کردستان عراق خلع سلاح شده‌اند و فعالیتشان محدود شده است، آیا پ ک ک امیدوارست در توافقی اعلام نشده با جمهوری اسلامی و زیر نام مخالفت با این رژیم، به حضور خود در کردستان ایران و این مناطق وسعت ببخشد که این چنین مردم را تهدید به منع آمد و رفت می‌کند؟ آیا قرار است پ ک ک در توافق ضمنی با جمهوری اسلامی جای خالی احزاب ناسیونالیست سنتی کرد در ایران را پر کند؟ آیا پ ک ک امیدوارم کمبود وجود آنها امکانی برای رشد و نمای او به نام مخالفت باجمهوری اسلامی پر کند؟ در این صورت مردم کردستان حق دارند از این مهمان ناخوانده بپرسند توافقات و قول و تعهداتی که پ ک ک به جمهوری اسلامی داده است چیست؟ حق دارند از رهبری این جریان سوال کنند، قرار است پ ک ک در آینده تحولات در ایران در کنار جمهوری اسلامی که مردم آزادیخواه مرگش را نزدیک کرده‌اند، چه رولی را بازی کند؟ همه این سوالات با توجه به موقعیت جمهوری اسلامی و رابطه حسنه این جریان چه در ایران و چه در منطقه با این حکومت ایران، سوالات واقعی و قطعاً مخاطراتی برای مردم کردستان است.

این پروژه پ ک ک از همان ابتدا پروژه‌ای از طرف مردم کردستان ایران سوخته است، هرکسی حق دارد این مسئله به ذهنش خطور کند که ممکن است جمهوری اسلامی علیه چپ گرایی، علیه مردم آزادیخواه و جنبش رادیکالی که در ایران راه افتاده است، به وسیله پ ک ک و زیر نام مخالفت ظاهری با جمهوری

اسلامی تلاش کند که مردم کردستان را به عقب براند. مردم کردستان در گذشته تجربه تلخ استفاده جمهوری اسلامی و حتی قبلتر از او ، حکومت پهلوی از «قیاده موقت»(جریان بارزانی) علیه مردم کردستان و علیه احزاب سیاسی و جنبش اعتراضی خود را دارند. آیا این نقش را قرار است پ ک ک در این دوره عهده دار شود؟

مستقل از هر ارزیابی که پ ک ک از خود دارد، این جریان در کردستان ایران موجودیتی جدی نیست و جایگاهی هم در دل مردم ندارد و نیروی مسلحی هم ندارد. اگر در طول این چند سال هم گاه و بی گاه واحدهایی کوچک چند نفره از قندیل به مناطق مرزی سرازیر شده اند نه کسی را شناخته اند و نه مردم آنها را می شناسند، از همه مهمتر اینکه اینها نه زبان مردم کردستان ایران را می دانند و نه مردم به آنها اعتماد کرده اند. حتی از مردم این مناطق غذا و خوراکی نمی گیرند، چون اعتمادی ندارند و کسی را نمیشناسند.

سیاست پ ک ک همیشه این بوده که تمام نیرو هایش را در خدمت جنگ با ترکیه به کار گیرد. ما و مردم کردستان و هر کس و جریانی که پ ک ک را بشناسد، میداند که کل افق و استراتژی پ ک ک به تقابل یا توافق با ترکیه وصل است. هدف اول این جریان تقویت خود در مقابل حکومت ترکیه است. در خدمت این هدف از بقیه شعبات دیگر در عراق، سوریه و یا ایران استفاده میکند. با توجه به این افق نه با جمهوری اسلامی، نه با حکومت سوریه و هیچ دولتی مشکلی جدی نداشته است. بخشی از افراد جذب شده به پ ک ک از مناطق دیگر غیر از ترکیه، همیشه معترض بوده اند که چرا از آنها در ایران و… استفاده نمیشود و چرا آنها را فقط حول تکیه و جنگ با ترکیه و فشار به ترکیه مورد استفاده قرار میدهند. در نتیجه خیلی روشن است که امروز مقابل با ایران و مبارزه با جمهوری اسلامی با روابط حسنه پ ک ک و دفاعیات همیشگی او از این حکومت در دستور پ ک ک نیست. لذا ردیف کردن مناطق وسیع کوهستانی و صادر کردن دستورات میز نیم و میکشیم و محل اخفای نیرو هایمان که (پ ک ک)گفته است، برای مردم کردستان تناسبی با پ ک ک در ایران ندارد مگر کاسه ای زیر نیم کاسه باشد. ما، مردم و حتی نیروهای خود این جریان میدانند که بقیه احزاب اقماری پ ک ک چه در ایران و چه در کردستان عراق و سوریه تنها در خدمت فعالیت پ ک ک در ترکیه به کار گرفته میشود. این احزاب اقماری از جمله پژاک از خود هیچ اعتبار واستقلال محلی ندارند، همیشه این پ ک ک بوده که برایشان تعیین می کند چه کار باید انجام دهند و یا چه کاری انجام ندهند. در واقع این احزاب اقماری تنها برای جمع کردن نیرو و فرستادنشان به جنگ با ترکیه و تقویت پ ک ک در این کشور است.

اما اشتباه محاسباتی پ ک ک اینجاست که شناخت کافی و ارزیابی دقیقی از کردستان ایران ندارد، اگر در کردستان ترکیه با وجود دولت فاشیست ترکیه و با وجود جریانی متعصب، الترا ناسیونالیست و قلدر چون پ ک ک، احزابی جدی و حتی لیبرال نتوانسته سر بلند کند، اما ایران ترکیه نیست و در کردستان ایران کسی برای احکام صادره پ ک ک تره خرد نمیکند چیزی که متاسفانه پ ک ک هیچوقت درک نکرد. به خیال خودش می تواند این نسخه را در ایران نیز بکار بگیرد، غافل از اینکه جامعه کردستان ایران، جامعه ای پیشرفته است و مردم ایران تجربه چندین انقلاب را پشت سر دارند و اگر این نوع قلدری زمانی و در عصر ارباب رعیتی و دوره خان خانی ممکن بود، اکنون بیش از نیم قرن است که مردم کردستان ایران از دوران ارباب رعیتی عبور کرده اند، و احکام پ ک ک دیگر در ایران جواب نمی دهد.

نقشه های پ ک ک از روی ذهنیت و تجربه و شناخت این جریان، فعالین و کادر رهبری آن در کردستان ترکیه برای مناطق دیگر از جمله ایران صادر میشود، چیزی که منطبق با توازن قوا، فرهنگ و رابطه مردم کردستان ایران با حکومت و احزاب سیاسی جور در نمی آید. پ ک ک متاسفانه از روی تجربه خود در ترکیه

فکر میکند همه چیز با زور گویی و قلدری تامین میشود. پ ک ک متوجه نیست که رابطه او و مردم کردستان ترکیه که بدلیل حاکمیت دولتی فاشیستی و جنایاتش علیه آنها از سر ناچاری به پ ک ک به عنوان تنها جریان بی حریف در این منطقه پناه میبرند، در کردستان ایران جواب نمی دهد و با عکس العمل وسیع و نفرت عمومی جامعه رو برو می شود.

جامعه کردستان ایران جایی برای این تهدیدات و قلدری نیست و لازم است پ ک ک خود را جمع کند و از صادر کردن چنین دستورات و تهدید های حداد و شداد دست بردارد. این جریان باید کمی تعقل کند و اول حساب حرفهای خود را بکند و بعد آنرا انتشار دهد. جامعه کردستان ایران و مردم کردستان بیش از چهل سال است با جمهوری اسلامی در حال جنگ هستند و هیچ وقت تن به قلدری و زورگویی جمهوری اسلامی و هیچ جریانی نداده اند چه برسد به نیرویی به نام پ ک ک که خود مورد تنفر مردم است.

اجازه دهید به تک به تک کلمات بکار رفته در این بیانیه قلدرمنشانه نگاهی بیاندازیم که هرکدامش مجموعه ای سوال را در ذهن هر انسان آزادیخواه و متمدن ایجاد می کند که واقعا نویسنده گان این بیانیه با چه عقلی اقدام به نوشتن چنین تهدید نامه ای کرده اند.

- در ابتدای بیانیه از جنگ جهانی سوم صحبت کرده است و انگار نویسنده گان متفکر پ ک ک تاریخ را مطالعه نمی کنند و هنوز معنی درستی از جنگ جهانی را نمی دانند. تاریخا جنگهای جهانی مابین قطبهای سرمایه داری و دولتهای نماینده صورت می گیرد، نه مابین یک نیروی میلیشیایی با یک دولت مشخص. پ ک ک در بیانیه خود از جنگ جهانی سوم خبر می دهد، جا دارد از این حزب و رهبرانش پرسید بر اساس کدام معیار، تحلیل و این فاکتور ها کدام هستند که منجر به جنگ جهانی سوم در این منطقه شده است یا قرار است شروع شود؟ مگر قرار است در چنین جنگی کوههای کردستان ایران به محل استقرار نیرو های پ ک ک که محتملا قندیل را ترک و اینجا مستقر شوند؟ آیا در صورت وقوع جنگی در منطقه حفاظت جایی یا جبهه ای به شما واگذار شده است؟

- طی چهل سال گذشته در کردستان ایران همواره یک مبارزه طبقاتی در جریان بوده و مرکز جدال بین رژیم جمهوری اسلامی و مردم بوده است و جمهوری اسلامی طی چهل سال گذشته علارغم وجود و گسترش دستگاه های سرکوب، جاسوسی و ترویج ارتجاع دینی نتوانسته است اراده این بخش از جامعه ایران را در هم بکشند و آنرا سرکوب کند. از چهل سال پیش مردم این منطقه با مسئله تبعیض و سرکوب و خفقان دست و پنجه نرم می کنند و طی این سالها علارغم سرکوب و خفقان با جمهوری اسلامی جنگیده اند و برای آزادی و برابری و ایجاد یک دنیای بهتر مبارزه کرده اند.

- چه اکنون و چه طی دورانی که احزاب مختلف و از جمله ما کمونیست ها در کردستان مسلحانه علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کردیم، بخش اصلی این مبارزه بر دوش همان مردم بوده و هنوز هم هست. مردمی که همیشه درب خانه هایشان بر روی نیروی پیشمرگ باز بود و نه تنها آنها را از چشم جاسوسان و نیروهای رژیم پنهان می کردند، بلکه هر آنچه را که داشتند در طبق اخلاص می گذاشتند و ما را در سفره فقیرانه خود شریک می کردند. همین مردم بودند که خانه هایشان مخفی گاه پیشمرگ و در بسیاری مواقع حتی به عنوان راهنمای راه نیروی های ما عمل می کردند. علارغم تلاش چهل ساله، رژیم هیچ وقت نتوانست در رابطه مردم و احزاب سیاسی در کردستان خدشه ای وارد کند. چه اتفاقی افتاده است که اکنون همان مردم از دید پ ک ک جاسوس شده اند؟

- پ ک ک و پژاک همواره در بیانیه های خود و مشخصاً در این بیانیه خود را نماینده تام الاختیار مردم کردستان ایران معرفی می کند، مردم کردستان حق دارند بپرسند که این نماینده گی چه کسی، چگونه، از چه هنگام و بر چه معیاری به پ

ک ک واگذار شده است؟

- بنا به این بیانیه، پ ک ک خود هم قانون گذار است و وهم مجری قانون.

سوال اینجاست که این قانون را چه کسانی و بر چه اساسی تعیین کرده اند؟ چه مشروعهیتی پشت قانون گذاران و مجریان آن قرار دارد؟

- چه کسانی جاسوس هستند و بر مبنای چه قانونی جرم شخص به عنوان جاسوس اثبات می شود؟ برای اثبات جرم ، متهم و اینجا مردم کردستان ایران در کدام دادگاه صالح و با حضور کدام قاضی و هیئت منصفه دادگاهی می شود؟ متهمان چگونه و بر اساس چه معیاری می تواند از خود دفاع کنند و یا از حق وکیل برخوردار باشند؟ در نهایت بر مبنای چه قانونی برایشان حکم صادر می شود؟

- در بیانیه آمده است: «بدین منظور به خلق خود هشدار می‌دهیم که انجام هرگونه گشت و گردشگری، شکار و بهانه‌های مختلف در این مناطق که یگان‌های ما در آن فعالیت می‌کنند، به معنای آشکار ساختن محل و موقعیت رفقای ما و در نتیجه خدمت به اشغالگران میهنمان خواهد بود. بنابر این در صورت مواجهه و شناسایی، تحت تعقیب لازم قرار خواهند گرفت و در چنین شرایط ناخواسته، خود این افراد مسئول خواهند بود.».

همانطور که همگان اطلاع دارند تنها منبع درآمد و معیشت اکثر مردم روستایی در استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام بنا به وضعیت جغرافیایی این مناطق، دامپروری و زنبور داری است، همان مناطقی که از سوی پ ک ک به عنوان منطقه ممنوعه و محل «فعالیت یگانهای» خود معرفی کرده است. مستقل از اینکه ما و مردم کردستان ایران «یگانهای» پ ک ک را بجز فعالینش در دفاترشان و مراوده با حکومت ندیده ایم.

باید از پ ک ک پرسید شما به چه حقی محل زندگی، گردش و معیشت مردم را از صاحبان اصلیش منع می کنید؟ آیا فکر میکنید ده ها هزار انسان از فردا کار و زندگی و معیشت و محل درآمد خود را برای اجرای حکم پ ک ک رها میکنند؟ این گنده گویی و لقمه بزرگتر از دهان را چه کسی برایتان پیچیده است؟ بی تردید هر انسان فهیمی با دیدن این بیانیه و احکام «ممنوعیت»، «مجازات» و «تنبیه» از خود میپرسد اینها دیگر کی هستند؟ آیا پ ک ک در موقعیتی است که به مردم دستور دهد؟ مردم کردستان حق دارند به شما بگویند که غلط کردید، شما چه کاره اید؟ شما دقیقاً اراحیف پیشمرگان مسلمان و سپاه و وزارت اطلاعات را تکرار میکنید که مردم مناطق مرزی را به عنوان همکار پیشمرگ تهدید و یا کوچ میدادند.

- کوهنوردی به عنوان یکی از محبوبترین ورزشها در کردستان بخشی از فرهنگ مردم است، جمهوری اسلامی با آنهمه ددبده و کیکبه در طول چهل سال حاکمیت خود نتوانسته است این ورزش را در جامعه ممنوع کند، آیا پ ک ک خیال کرده می تواند با نیروی اسلحه به بهانه جاسوسی آنرا ممنوع کند؟

-جدا از دامپروری، کوهنوری و گردشگری، بخش زیادی از مردم این مناطق از طریق جمع آوری صمغ درختان «ون» و دیگر گیاهان که برای مصارف پزشکی، صنعتی و خوراکی استفاده می شود، امرار معاش می کنند و طی صدها سال گذشته داروهای گیاهی یکی از منابع درآمد و پزشکی این منطقه بوده است. در طول تاریخ مردم خود بهتر از هر حکومت و نیروی میلیشیایی و غیره از منبع درآمد خود نگهداری و مواظبت کرده اند و به قول معروف هیچ انسانی چشمه ای که از آن آب می نوشد را گل آلود نمی کند. اکنون چگونه است که پ ک ک دایه مهربانتر از مادر گشته است و از «حفظ محیط زیست» می گوید؟ آیا طی صدها سال گذشته این پ ک ک بوده که از محیط زیست و طبیعت این سرزمین مراقبت کرده است؟

- جمهوری اسلامی سالها تلاش کرد که به بهانه جنگ ایران و عراق و همچنین حضور احزاب اپوزیسیون عبور و مرور به مناطق مرزی را ممنوع کند و

شکست خورد، اکنون پ ک ک آزموده را دوباره می خواهد بیازماید. آیا نباید گفت که این احکام به قد و قیافه پ ک ک در کردستان ایران نمیخورد؟ و هزار نکته دیگر از این قبیل.

محدوده رشته کوه زاگرس حدود ۱۶۰۰ کیلومتر طول و بیش از ۲۴۰ کیلومتر عرض دارد. نواحی کوهستانی زاگرس به طور کلی و به ویژه در کبیر کوه، مانشت، پراو، آژوان، دالاهو، شاهو، کوسالان، قلنبرد، شانشین و منطقه چلچمه، کوه‌های موکریان تا دالانپر، تا کوهستان‌های اورین»، با این حساب بخش اعظم مناطق زاگرس شامل این حکم حداد و شداد میشوند، باید خالی از سکنه شوند که مبدا برای نیروهای مسلح (خیالی) پ ک ک ایجاد مشکل کنند. تجربه اخراج نیروهای پ ک ک از دره بقاع (مابین سوریه و لبنان) و کوچ دادنشان به رشته کوه های قندیل نشان داده که بعد از اینکه پ ک ک همچون مهمان به این مناطق وارد شد، در عرض مدت کوتاهی خود را صاحب تمام و کمال این مناطق اعلام کرد.

جا دارد مردم آزادیخواه کردستان، به افراد مسلح پ ک ک و احزاب اقمارش یادآور شوند و هشدار دهند ایران قندیل نیست و مردم کردستان برای پ ک ک تیره خرد نمیکنند. شما جای «مهمان» ناخوانده و صاحبخانه را عوضی گرفته اید و کردستان ایران جای قلدری هیچ جریانی نیست. مردم کردستان ظرفیت پ ک ک و اقمارش از جمله پژاک را در قلدری، زورگویی و اخاذی علیه مردم، خوب می شناسند و بنا به این بیانیه مسئولیت هر نا امنی در این مناطق، مسئولیت هر تعرضی به هر فردی در این مناطق را به پای این نیرو می نویسند.

پ ک ک و پژاک قبل از هر چیز باید در دادگاهی مردمی نسبت به فریب و ربودن کودکان و فرستادنشان به قندیل برای جنگ با ترکیه، نسبت به بمب گذاری، انتحار، خودکشی، خودسوزی، ترور مخالفان، ممنوع الخروج بودن اعضای این حزب و ترور اعضای که بخواهند از این جریان خارج شوند و یا اساسنامه حزب را زیر پا گذاشته اند پاسخگو باشند.

هنوز پروند ترور سامان دانشور در روستای گوپزه کوپره مریوان بدلیل ترک صفوف پژاک و کشتن «سوران اختر ثمر» از اهالی اورامانات بدلیل سرپیچی از پرداخت باج بیشتر به پژاک و دهها مورد دیگر بدون جواب مانده است.

پ ک ک باید حالی شود که این جریان نه بر آمده از جامعه کردستان است و نه ربطی به سوخت و ساز مردم این منطقه دارد. تجربه سالها مبارزه جامعه کردستان، برای رفاه عمومی، حق زن، برابری طلبی، عدالت خواهی و بیش از چهار دهه مبارزه با جمهوری اسلامی اجازه نخواهد داد فرقه قومی و ضد اجتماعی، فالانژ و فاشیستی چون «پ ک ک» و «پژاک» آنهم زیر عباى اسلام و جمهوری اسلامی به عنوان یک نیروی ناسیونالیست اصلاح طلب مذهبی و مدافع حاکمیت جمهوری اسلامی، در کردستان رشد و ادامه حیات دهد. این تهدید و این اعلام جنگ پ ک ک به مردم کردستان و با این درجه بالا از ضدیت با زندگی اجتماعی مردم برایشان بسیار گران تمام خواهد شد و جریانی که کوچکترین همسویی با منافع مردم کردستان ندارد و برای رسیدن به قدرت به هر ابزاری دست می برد، در کردستان جایگاهی ندارد و محکوم به شکست است. مردم کردستان ظرفیت بالای این جریان را در کشتن و ترور و جنایت، زورگویی و باجگیری و اخاذی از مردم را به خوبی می شناسند و در برابرش خواهند ایستاد. این بیانیه عمق بی نفوذی و بی اعتباری این جریان را در جامعه ایران اثبات می کند.

کوره پزخانه ها و بردگی عریان

(بخش دوم و پایانی)

قادر محمودپور

در آن ایام کمونیستها و فعالین کارگری فعال در بخش کارگری خصوصا کوره های آجرپزی از تشکیلات و حزب کمونیست و کومه له نشاط و قوت قلب می گرفتند و تنها امیدشان نیرویی بود که به آنها در پیشبرد مبارزات شان قوت قلب می داد، در دست در نقطه مقابل کومه له، احزاب بورژوا ناسیونالیست کرد به رهبری حزب دمکرات کردستان قرار داشت، که تمام تلاشش را به کار می برد که ضدیت خود را با هر آنچه آزادی خواهی، برابر طلبی و مبارزه کارگری است به کار ببرد. این جریان در سطح نظامی برای مقبولیت خود نزد دولت مرکزی، جمهوری سرمایه و ارتجاع اسلامی جنگی نظامی تمام عیار به حزب کمونیست ایران- کومه له در سال ۱۳۶۳ تحمیل کرده بود که نتیجه آن قبل از هر چیز به ضرر مردم آگاه، کارگر و مبارز ایران و خصوصا کردستان بود.

در سطح کارگری و مخصوصا اعتصابات کارگری کوره پزه خانه ها، حزب دمکرات ممانعت و دشواری های زیاد برای کارگران آگاه و سوسیالیست این مجتمع ها بوجود می آورد. حزب دمکرات به عنوان نیروی اصلی ناسیونالیسم کرد بعنوان نماینده مالکین و کهنه فئودال ها در کردستان عمل می کرد. آنها از آزادی زن گرفته تا کوچک ترین آرمان های ترقی خواهانه جامعه ترس داشتند و مانع ایجاد می کردند. در هر جایی که حس می کردند که فعالین سوسیالیست مرتبط و متصل به کومه له کمونیست قدیم مشغول سازماندهی اعتصاب هستند و فعالیتی دارند، مزاحمت ایجاد می کردند. به خوبی به یاد دارم زمانی که فعالین کارگری در به سرانجام رساندن اعتصاب موفقیت آمیز ۱۸۰ کوره پزخانه در سال ۱۳۶۵ در همدان در تلاش و تدارک این اعتصاب بودند، چگونه طرفداران این حزب در ممانعت از این عمل، تمام تلاش خود را به کار بردند تا مانع آن شوند. قضیه از این قرار بود که فعالین کارگری برای افزایش قیمت هر هزار آجر (چیزی که در نوع کار کنتراتی در کوره خانه ها متداول است) با اتحادیه کارفرمایان به سرپرستی حاج علی شیری که خود او هم یک کوره آجر پزی داشت، به نتیجه ای نرسیده بودند و مجبور شدند برای وادارکردن صاحب کوره ها به افزایش قیمت هر هزار خشت از ۱۱۰ تومان به ۱۸۰ تومان اعلام اعتصاب عمومی در سطح سراسری بکنند. مشخصا در دو کوره پزخانه که هواداران حزب دمکرات در آنها نمایندگانی داشتند و سرپرستی آن دو کوره پزخانه در اختیار داشتند. در واقع دلالت و یا سرکارگر این کوره پزخانه ها بودند، که باعث اخلال و به تاخیر انداختن اعتصاب به مدت دو هفته گردیدند و تا حدی که فعالین عرصه مجبور به گوشمالی کردن آنها شدند که من بدلیل امنیتی از مشخصات آنها خوداری می کنم.

لازم به ذکر است اعتصاب ۱۳۶۵ کوره پز خانه های همدان یکی از بارزترین و موفق ترین اعتصابات کارگری کوره پزخانه از نوع خود بود و در آن کارگران پیشرو و آگاه برای به ثمر رساندن و پیروزی اعتصاب اقدام به تشکیل گارد نظارت بر اعتصاب و گشت زنی شبانه روزی برای ممانعت از افرادی که می خواستند اعتصاب شکنی کنند و اعتصاب اختلال بوجود بیاورند و به آنها تذکر شفاهی می داد، گارداعتصاب اقدام به انتشار مجموعه اطلاعیه های کوتاه کرده بود که در آن ضمن اشاره به قواعد اعتصاب، به اختلالگران و اعتصاب شکنان تذکر داده شده بود که با اعتصاب هم راهی کنند و در غیر این صورت با برخورد شدید گارد اعتصاب رویه رو خواهند شد. جالب اینجا بود به دلیل نبود امکانات مالی و امنیتی فعالین گارد اعتصاب چیزی در حدود پانصد تا هفتصد نسخه اطلاعیه دست نویسی کردند و در میان کارگران کوره پزخانه ها پخش کردند. بهر حال بعداز فعالیت شبانه روزی گارد اعتصاب و ضمنا گوشمالی یکی دو نفر از سرکارگران «دلالان» طرفدار حزب دمکرات،اعتصاب ۱۸۰ کوره پزخانه همدان بعداز سه هفته با موفقیت به پایان می رسد و در ازای هر هزار خشت از ۱۰تومان به ۱۸۰ تومان افزایش پیدا کرد. خواست اولیه کارگران قیمت خشت برای هر هزار خشت ۲۲۰ تومان بود ولیدر نهایت به ۱۸۰ تومان افزایش یافت.درست در آن زمان ما شاهد

تروریکی از برجسته ترین کادرهای کومه له و حزب کمونیست ایران به اسم سلیمان محمدی در کوره پزخانه های ” چومی مه جید خان و ساروقامیش“در اطرافبوکان هستیم. ایشان در هماهنگی دقیق و سازمانیافته توسط صاحبان کوره پزخانه ها و افراد مسلح حزب دمکرات

کردستان در یک عمل جنایتکارانه در کوره پزخانه های ساروقامیش ترور شد. این اقدام انتقام جویانه از طرف صاحب کوره پزخانه ها و حزب دمکرات بخاطر نقش رفیق سلیمان محمدی در به سر انجام رساندن اعتصاب موفقیت آمیز بیش از ۵۰ کوره پزخانه آجرپزی در اطراف بوکان در سال ۱۳۶۵ بود. صف بندی این جدال طبقاتی و مبارزاتی در اعتصاب کارگران و فعالین کمونیست در این میان را به روشنی می توان دید، از یک طرف صاحب کوره پزخانه ها و حزب دمکرات و از طرف دیگر سلیمان محمدی کمونیست و کادر حزب کمونیست و کومه له قدیم قرار داشت. باز نویسی این تاریخ به همه انسان‌های درگیر و مشتاق مبارزات در کردستان و در سطح سراسری کمک خواهد کرد که دید دقیق تری از اوضاع سیاسی و فعالیت کارگری و مشکلات پیش روی کارگران و کمونیستهای فعال دهه شصت در این عرصه داشته باشند و ضمنا جایگاه نیروهای دخیل در آن زمان همخوانی و همسوی آنها با کارگران و سرمایه دارن را ارزیابی کرد.

در بخش اول این نوشته به جوانب کار و فعالیت در کوره پزخانه ها به شیوه “ سنتی ” و دستی آن اشاره داشتیم. در قسمت پایانی این نوشته به تبدیل شدن کوره پز خانه ها به ”صنعتی“می پردازیم. بعد از اواخر دهه ۸۰، رفته رفته بدلیل افزایش تورم و بالا رفتن قیمت سوخت و بخشا آلوده گی هوا صاحب کوره پزخانه ها به فکر تغییر نوع پیشرفته تر کوره ها افتادند و در تبدیل کردن کوره ها از سنتی به صنعتی اقدام کردند. در دهه نود ما شاهد تعطیل شدن بخش زیادی از کوره پزخانه های هستیم و با گران شدن نفت کوره در سال۱۳۹۳به یک باره تمام کوره ها تعطیل شدند و باعث بیکار شدن افراد بسیاری زیادی شد و رفته رفته تمام کوره تخریب شدند. درحال حاضر بیشترین کوره های سنتی در منطقه وایگان قرار دارد. در بقیه نقاط هم با کاهش شدید کوره های آجرپزی روبرو هستیم. به هر حال بجای کارگران و نیروی انسانی، امروز ماشین آلات و صنعت پیش رفته جایگزین دستهای نازک و لطیف کودکان شده است. تنها چیز مثبتی که از این تغییر و دگرگونی از سنتی به صنعتی تبدیل شدن کوره پزخانه ها می شود استنتاج کرد،از بین رفتن نوع کار کنتراتی و استثمار و رهایی کودکان کار در این مجتمع هاست. خیل عظیمی از کارگران که قبلا از طریق کار در کوره پزخانه ها امرار معاش می کردند امروز یا به نیروی بیکار در جامعه پیوسته اند و یا به کارهای دیگر در ساختمان سازی و کارگاه های قالی بافی در مناطق کردستان روی آورده اند

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفانی خلاقیت‌های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

بنا بر تعاریف خشونت به معنی رفتاری است که می‌تواند منجر به آسیب بدنی، جنسی یا روانی شود و بنا بر همین تعریف هرگونه رفتار خشن که موجب آسیب جسمی، جنسی، روحی و رنج زنان شود را خشونت علیه زن می‌گویند. اما موضوع اینجاست که با توجه به مناسبات موجود در جوامع و خصوصاً جوامع مذهبی و مردسالار، اکثر این خشونت‌ها را می‌توان با تهدید، اجبار یا سلب اختیار از چشم جامعه و حتی نزدیکان خود پنهان نگه داشت و هیچ آماری در این رابطه نمی‌تواند دقیق باشد و بخش اعظم خشونت‌های موجود را نمی‌پوشاند.

در ایران و بنا به مناسبات حاکم از سوی دولت بورژوازی جمهوری اسلامی و ساختار سیاسی و اقتصادی آن که این مناسبات را شکل می‌دهند، بخش زیادی از خشونت‌ها آنقدر تکرار و عمومی شده‌اند که به رفتاری عادی در جامعه بدل گشته است. توهین، هتک حرمت و نفقه ندادن، بی‌توجهی به خواسته‌های زنان، جدا کردن زن از کودکان یا خانواده‌اش، تهمت زدن، محدود کردن زن در محدوده جغرافیایی یا عدم اجازه برای شغل یا تحصیل و غیره تنها بخشی از خشونت پنهان هستند که با توجه به قوانین اسلامی، به جزئی از داده آن جامعه بدل گشته است. همچنین خشونت جنسی، کلامی، نگاهی و رفتاری، تجاوز، تن‌فروشی اجباری، بارداری اجباری، ختنه دختران، خرید و فروش زنان و دختران، خشونت علیه زنان کارمند و مستخدمان زن، خشونت‌های ناشی از جنگ، خشونت در زندان، تجاوزهای سیستماتیک و خشونت سیاسی، مصادیقی از خشونت آشکار هستند.

در چهل و پنج سال گذشته جمهوری اسلامی کرور کرور از درآمد کشور را خرج گشت‌های ارشاد و ماشین سرکوب و حوزه‌های ارتجاعی دینی کرده و در این چهار و نیم دهه تلاش کرده که با ترویج ناموس پرستی و ترویج افکار قرون وسطایی جامعه را به هزار و پانصد سال قبل بازگرداند. تلاش کرده که با ترویج خرافه و تحمیل مردم، سرکوب نیمی از جامعه یعنی زنان را بر دوش مردان بیاندازد. قتل‌های ناموسی پدیده‌ای وحشتناک است که هر از چند گاهی با شنیدنش دل هر انسان شریف و آزاده‌ای را می‌آزارد. بنا به گزارش روزنامه شرق و با استناد به آمار رسمی از خرداد ۱۴۰۰ تا پایان خرداد ۱۴۰۲ دست‌کم ۱۶۵ زن در ایران بنا به دلایل ناموسی و به بهانه شرف به دست مردان کشته شده‌اند. تنها در سه ماه نخست سال ۱۴۰۲ دست‌کم «۲۷ زن» به بهانه‌های ناموسی و غیرت به دست مردان خانواده خود کشته شده‌اند، به عبارتی دیگر هر چهار روز زنی در جامعه ایران به دست مردان کشته می‌شود.

دلیل بنیادی تمامی مصائب و خشونت‌ها بر زنان در محیط خانواده، کار و جامعه که از سوی مردان بر زنان اعمال می‌شود، را در همان قوانین و مناسبات باید جستجو کرد که حکومت‌ها بر مبنای آن شکل گرفته‌اند و بر جامعه وضع می‌کنند. در جامعه اسلام زده ایران، حاکمیت و قوانین اسلامی که مردان را صاحب اختیار زنان و زن را نصف مرد می‌داند پایه اصلی خشونت سیستماتیک بر زنان است. ماشین کشتار و سرکوب زنان زیر نام گشت ارشاد و تذکر لسانی و هزار کوفت و زهر مار دیگر بخشی از خشونت سازمان یافته دولتی هستند که زندگی را به کام جامعه و خصوصاً زنان تلخ کرده است.

همانطور که در ستر بالا گفته شده در ایران و بسیاری از کشورهای خاورمیانه و کشورهای اسلام زده خشونت بر زنان نه تنها رایج است، بعلاوه بخشی از قوانین حاکم بر مملکت است. ایران، افغانستان، عراق، خصوصاً کردستان عراق، عربستان سعودیه و دهها کشور دیگر زن مطلقاً انسان به حساب آورده نمیشود. در جوامع بشری در سراسر جهان مذهب نقش جدی‌ای در زن ستیزی، در شکل دادن به آپارتاید جنسی، به بی‌حقوقی زنان داشته است. مسیحیت به یمن انقلاب فرانسه افسار شد و این ماجرا دست مذهب مسیحی و کلیسا را برجه‌ای از زندگی زنان کوتاه کرد. در اسرائیل که یهودیت نقش جدی در حاکمیت دارد، زن دقیقاً شبیه به جوامع اسلامی، نه تنها انسان به حساب نمی‌آید که نجس است. رشد نظام‌های کاپیتالیستی و نیاز جوامع بورژوازی به نیروی کار و تحولاتی که علیه نظام فئودالی انجام گرفت، همراه رشد صنعت و تکنیک

و علم و پیشروی‌های بشریت همراه با مقابله بشر، زنان و طبقه کارگر، به درجه‌ای مذهب و حاکمیت مذهبی و قوانین ارتجاعی را پس زد. اما بورژوازی در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی هم معضل زنان و برابری کامل زن و مرد را بدلیل مادی، تحمل نکرد. امروز حتی در کشورهایی مانند سوئد، المان و... که زنان به درجه زیادی و خصوصاً بعد از انقلاب فرانسه و بدنبال انقلاب اکتبر و تأثیرات آن، دستاوردهای زیادی کسب کردند، اما هنوز برابری کامل از جمله حقوق برابر در کار و شغل مشابه تأمین نشده است. حتی در این جوامع نیروی کار ارزان زنان در خدمت نظام کاپیتالیستی و ایجاد انشقاق جنسی در صف طبقه کارگر، پدیده‌هایی هستند که بورژوازی و دولتهای حاکم از آن سود می‌برند. لذا دفاع از مذهب و بازتولید آن، نقش کلیسا به عنوان یک کارتل مالی و صنعت مذهب، علیرغم پیشرفتهای بشر و مبارزات طبقه کارگر و زنان، هنوز ماندگار است.

خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ در پیچه‌ای بود تا جامعه ایران به بشریت متمدن نشان دهد که زنان در ایران بیش از این تحقیر و بی‌حرمتی به زن را تحت هر نامی از شریعت اسلام شیعه تا سنی و فرهنگ و سنت و... نمی‌پذیرد. سوزاندن روسری‌ها از سوی زنان، به عنوان سمبل تحقیر و توهین به زنان در حقیقت نه تنها دهن کجی به قوانین اسلامی، که برداشتن خیزی بود برای در هم پیچیدن همه قوانین ارتجاعی و ضد زن در این جامعه. فریاد «نه روسری، نه توسری، رهبر منم، رهبر تویی، فریاد کن آزادی» شعاری بود که تقابل و جدال عمیق میان جنبش حق زن که آزادی، حرمت و برابری‌اش توسط حکومتی سرتاپا متعفن و ارتجاعی به اسارت گرفته شده است را بازگو میکند. خیزش شهریور، توانست بخش عظیمی از قوانین ارتجاعی اسلامی، از حجاب تا ناموس پرستی، مردسالاری، ممنوعیت شادی و دخالت دولت در زندگی خصوصی مردم را به آشغال‌دانی سرکوبه بسپارد.

جنبش‌هایی زن، بخشی از یک جنبش فکری، اجتماعی و سیاسی در ایران است که به منظور در هم شکستن و ریشه کن کردن اسلام و اسلامیت، علیه بی‌حقوقی زن، برای رفاه و عدالت به راه افتاد. جنبشی که به مدت چهار دهه است در جریان است و علارغم تمامی سرکوب‌ها و فراز و نشیب‌ها، از تکاپو نیافته است. در خیزش دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ رشد کرد و در شهریور ۱۴۰۱ اوج گرفت و خود را به عنوان بخشی از یک جنبش رادیکال، برابری طلبانه، آزادیخواهانه و ضد اسلامی نشان داد.

جنبش‌هایی زن و جنبش آزادی و برابری که در شهریور ۱۴۰۱ رژیم جمهوری اسلامی را تا لبه سرنگونی کشاند، تأثیرات عمیقی بر ایران و کل منطقه از خود به جای گذاشت. خیزشی که با حمایت بین‌المللی همراه بود و سرها را به طرف طبقه کارگر و زنان در ایران چرخاند. تحولاتی که سمپات عمومی بشریت متمدن را به سوی خود جلب کرد.

۲۵ نوامبر روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» امسال با تکیه به تجارب چهل سال گذشته و خصوصاً خیزش شهریور ۱۴۰۱ می‌تواند و باید با سالهای قبل متفاوتتر باشد. جنبش‌هایی زن در ایران می‌تواند و این ظرفیت را دارد که همراه و همگام با جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی موجود دولت بورژوازی جمهوری اسلامی را به زیر کشاند، و تک به تک پایه‌های مادی و معنوی آنرا خرد و خمیر کند. رژیمی که به شکل سیستماتیک فقر، نابرابری، تبعیض و زن ستیزی را تبلیغ میکند و با نهادهای قانونی و آموزشی و تبلیغاتی نابرابری زن و مرد را در جامعه ترویج می‌دهد. رژیمی که ماشین سرکوب و وحشیگریش زنان را مورد هتک حرمت و تعرض قرار می‌دهد، مصیبت اصلی تمامی خشونت‌ها بر زنان و خصوصاً قتل‌های ناموسی است. باید این رژیم‌ها را در هم پیچید و پرونده‌اش را برای همیشه بست و این امر طبقه کارگر و زنان آزادیخواه و برابری طلب است.

زنده باد برابری زن و مرد

زنده باد آزادی و برابری

نوامبر ۲۰۲۳

بعنوان کمونیست کارهای زیادی باید کرد.

کارهای زیادی میشود کرد. کل پیروزی و یا کل

شکست هر دو ممکن و محتملند. جدالهای اساسی

جهانی‌اند و خصلت کشوری خاصی ندارند. هرچند

استنتاجات روشنی در مورد وظایف کمونیستی در

هر کشور میتوان از این وضعیت به عمل آورد.

بعنوان کمونیست باید در سنگر بندی‌های معلومی

حضور یافت. کمونیسم امروز فقط با حضور در این

سنگرها مشخص خواهد شد. نه فقط باید جلوی

تعرض فکری بورژوازی به مارکسیسم ایستاد. بلکه

باید انتقاد زیر و رو کننده مارکسیستی، انتقاد کارگر

به جهان سرمایه‌داری را با قدرت و کوبندگی به

مراتب بیشتر در سطح جامعه طرح کرد. باید

خرافات دموکراتیک، ناسیونالیستی، لیبرالی، مذهبی

و انتقادات نیمبند ناراضیان بورژوا به حاشیه‌های

نظام موجود را از صحنه جازو کرد. باید صف

سوسیالیستی کارگر را به میدان جدالهای اقتصادی

و سیاسی تعیین کننده امروز کشاند. باید آلترناتیو

کارگری را در برابر جهان امروز قرار داد. باید

اشکال و قالبهای مبارزه رادیکال توده کارگران را

تعریف کرد و گسترش داد. باید احزاب سیاسی

روشن بین، رادیکال و کمونیست کارگری ایجاد

کرد. باید ایجاد وحدت طبقاتی کارگر در سطح

بین المللی را بعنوان یک امر عاجل عملی در

دستور قرار داد.

منصور حکمت

مصاف‌های کمونیسم امروز

درباره جدایی از حزب کمونیست ایران

HEKMATIST.COM

نينا

نشریه دفتر كردستان حزب حكمتيست (خط رسمی)

سر دبیر: وریا نقشبندی
verya.naksh@gmail.com

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی
dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی
Khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور: آسو فتوحی
aso.fotuhi@gmail.com

دبیر دفتر كردستان: سهند حسینی
Sahand.sabet@gmail.com

سایت آرشیو
آثار منصور حکمت
Hekma.public-archive.net

اینستاگرام دفتر كردستان:
instagram.com/d.k.hekmatist

تلگرام حزب

HekmatistXateRasmi@

فیسبوک حزب

Facebook.com/HekmatistX

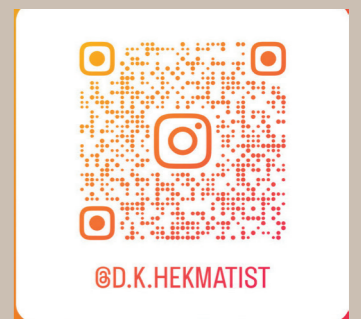
رادیو نینا

Radioneena.com

اینستاگرام رادیو نینا

/Instagram.com/radioneena

نينا را بخوانید و به
دیگر ان پیروان
کنید



نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی